

رفتار معنا با نقوش تصویری (نمونه موردی تابلوی روز و شب موریس اشر)

چکیده

تقابل‌های دوتایی از اصول حاکم بر جهان مادی است و انسان نیز خود موجودی ترکیبی از جسم و روح است. به یقین این معناها نمی‌تواند باز نمودی در هنر بشری از جمله نقوش تصویری نداشته باشند. هنر گاه این معناها را همان‌گونه که هستند، بازتاب داده و گاه آنها را در قالب نمادها و نشانه‌هایی به تصویر می‌کشند. تقابل‌ها در آثار هنری تصویری همیشه به معنای تضاد نمی‌باشند و در برخی از آثار تکمیل‌کننده یکدیگر می‌گردند و در کنار یکدیگر معنا می‌یابند. برای مطالعه معنای تقابل‌ها در نقوش تصویری انتخاب نمونه‌ای شاخص هنری ضرورت داشت لذا این اثر به عنوان پر تقابل‌ترین اثر هنری معاصر اشر، جهت این امر انتخاب گردید. عنوان، فرم و محتوای آن دارای تقابل‌های بسیاری بوده و این اثر از نظر شکل، بیان، ساختار، رنگ، تصاویر و نقوش در حد اعجاز‌آوری مشحون از ارزش‌های معنایی و متباین بصری می‌باشد. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تطبیقی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. نتایج این پژوهش، نشان می‌دهد، عدد تقابل‌های دوتایی در تابلوی روز و شب به ۷ مورد می‌رسد و در تعمیم آنها به کارکردهای هنری به ویژه از منظر معانی، شامل تقابل‌های دوتایی فرمی و کنشی (محتوایی و روایی) بوده و قابل انطباق با نظریه دریدا است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی تعامل معنایی تقابل‌ها در نقوش تصویری تابلوی روز و شب موریس اشر.

۱. بررسی کارکردهای معنایی تقابل دوتایی.

سؤالات پژوهش:

۱. میزان انطباق‌پذیری نظریه تقابل‌های دوتایی دریدا بر آثار هنر تصویری چقدر است؟

۲. کارکردهای معنایی تقابل‌های دوتایی چگونه است؟

کلمات کلیدی: تعامل معنا، ژاک دریدا، تقابل‌های دوگانه، هنرهای تجسمی، روز و شب موریس اشر.

مقدمه

ژاک دریدا فیلسوف فرانسوی الجزایری است. تقابل‌های دوگانه از مهمترین مباحث مورد توجه دریدا و دیگر ساختارگرایان است و براساس یک فلسفه‌ی که بنیاد هستی را بر مبنای تقابل‌های دوگانه می‌انگارد، ایجاد شده است. دریدا، با تغییرات اساسی که در نظام فکری غرب پدید آورد، مفهوم تقابل‌های دوگانه را هم دگرگون ساخت. به عقیده دریدا، اندیشه فلسفی- علمی در زیربنای تفکر غرب در زندانی دوقطبی قرار دادند و بر محور تقابل‌های دوگانه می‌چرخند.

موریس کورنلیس اش (۱۷ ژوئن ۱۸۹۷ - ۲۷ مارس ۱۹۷۲) معروف به موریس اش (به انگلیسی: M.C Escher) یک هنرمند گرافیک اهل هلند بوده که آثار شگرفی از حکاکی روی چوب، چاپ سنگی و قلم زنی سایه روشن را خلق کرد که از محاسبات ریاضی الهام گرفته‌اند. اش از هنرمندان اپ آرت (هنر دیدگانی) به شمار آورده می‌شود که از مکاتب هنری قرن بیستم بوده و هنرمندان این سبک می‌کوشیدند که با استفاده از رنگ و سایه روشن حس عمق میدانی، حرکت و حجم را در آثار خود ایجاد کنند. به سخن دیگر آن‌ها با مهارت و تسلط به عنصر رنگ و استفاده استادانه از خطوط پرده‌هایی می‌آفریدند که چشم بینندگان را می‌فریفت. در آثار موریس اش قطعیت و مفاهیم مطلق، بی معنا به نظر می‌آیند. او تقابل‌های دوگانه را به بازی می‌گیرد و اصالت آن را مورد چالش قرار می‌دهد. تصاویر اش دستاورد بهره‌گیری هوشمندانه از زمینه نامحدود انواع امکانات بالقوه‌ای است که جهان اشیا را فراتر از نظم موقعیت‌های عادی (در نگاه ما) فراهم می‌آورد.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که درباره تقابل‌های دوگانه در تابلوی روز و شب موریس اش بر پایه نظریات دریدا، اثر مستقلی به رشته تحریر درنیامده است. با این حال آثاری به بررسی تقابل‌های دوگانه پراخته‌اند. پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد معصومه حبیبی افراختی از دانشکده هنر دانشگاه الزهرا در سال ۱۳۹۳ که پژوهشی است تحت عنوان «تقابل‌های دوتایی در سوره مبارکه اللیل» و در آن تقابل‌های دوتایی در سوره اللیل و کارکردهای هنری آن تقابل‌ها را در کتیبه‌ها با تاکید بر نسخ خطی قرآن کریم ارائه داده است و با راهنمایی استاد محترم سرکار خانم دکتر موسوی لر به انجام رسیده است. جمع‌بندی نهایی منابع حاکی از این است که اثری که به بررسی جنبه‌های مختلف تقابل‌های دوتایی و گونه‌شناسی آن در این تابلو پرداخته باشد در میان تحقیقات منتشر شده، مشاهده نگردیده است. لذا تحقیق معاصر از این منظر نو و بکر خواهد بود. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان می‌دهند که، یک اثر هنری دارای تقابل بصری گسترده‌ای از دال‌هاست. دال‌ها در یک اثر تجسمی در واقع نقوش یک تصویر هستند و با تکثیر معنای خود، بازنمایی^۱ بی‌پایانی را نمایش می‌دهند. معانی دال‌ها در موقعیت نا معلومی^۲ حرکت می‌کنند که پایان و ختمی بر آن متصور نیست چراکه بسته به بیننده اثر و حال روزگار و جامعه‌اش در هر زمان و هر مکان معانی گوناگونی از آن برداشت می‌شود که هر کدام دالی است بر مدلول دیگر. نشانه‌ها در حالت تقابل‌های دوتایی در یک اثر هنری بصری علاوه بر مفهومی صریح و واقعی، دارای مفاهیم ضمنی، انتزاعی و متعلق به فرازبان نشانه‌شناسی نیز می‌باشد و در کنش محتوایی و روایی، بیننده پیوسته با نقوشی روبرو می‌شود که دارای نشانه‌های بی‌شمارند و تقابل‌های دوتایی یک اثر هنری بصری حاصل عملکرد نظام‌های مختلف نشانه‌ای (رمزگان مختلف) است که در قالب لایه‌های مختلف نقوش متجلی می‌شود. پس نقوش متقابل یک اثر بصری دارای مفهومی باز است و تا به انتها زایش معنا دارد و تحلیل تقابل‌های دوتایی در نشانه‌شناختی هنرهای بصری از تحلیل نقوش صورت می‌گیرد و نمی‌توان نشانه‌ای را در انزوا بررسی کرد.

آنچه در این بحث مهم به نظر می‌رسد اولاً وجود تقابل‌های دوتایی در ماهیت عناصر بصری و کیفیت‌های بصری تابلوی روز و شب اثر و ثانیاً وجود تقابل فرمی و محتوایی در این اثر است. تقابل‌های دوتایی تصویر شده در تابلوی روز و شب نتیجه یک ملودی منطقی در اثر بوده که با وحدت یکدیگر به صورت روابطی پنهان باعث اتصال قسمت-های مختلف تابلو به یکدیگر گشته که در نهایت کمپوزسیون این اثر را استحکام بخشیده است که در عین تقابل با یکدیگر برابر بوده و هیچ یک از قطب‌های آن بر قطب دیگرش برتری نیافته است و یک تقابل چشم‌نواز را به وجود آورده است که زبانی نوین یافته و دست‌مایه فن‌آوری بسیار دقیق و هوشمندانه هنرمند اثر است و زنجیره‌ای بی‌پایان در معنای اثر را ایجاد کرده است. اثری که در اوج سادگی از مهمترین ویژگی تجسمی که همان تقابل‌های دوگانه است به بهترین نحو ممکن برای مطلوب شدن بهره گرفته است که تسلط هنرمند را به مبانی زبان بصری، غیرقابل انکار می‌سازد و نشان می‌دهد که هیچ یک از قطب‌های این تقابل‌ها بر دیگری برتری نداشته و برخاسته از تفکر خاص هنرمند است که نشان از توأمان بودن روز و شب و گردش ایام در کره زمین است که در درون هم رفته و از هم زاده می‌شوند و آسمان و زمین که در عین تقابل به یکدیگر پیوند خورده و به هم مبدل می‌گردند و همچون پرنده‌هایی آزاد و رها می‌شوند و این همان چرخه مرگ و حیات یا همان تولد دوباره است و سیاه و سفید که نماد جنگ و صلح است و تمامی نقوش متقابل دیگر این اثر که همگی آنها نشان از عدم قطعیت و ماندگاری زندگی و بازگشت از عالم مادی و زمینی به عالم معنوی و آسمانی و بر عکس آن و تولدی دوباره (بیان دو مقوله بی پایان مرگ و زندگی) و نیز حضور توأمان صلح و نزاع، بدی و خوبی و چرخش روز و شب و ... می‌باشند که از عوامل مؤثر و

^۱ . Representation

^۲ . Indeterminacy

مفاهیم پنهان شده بر تقابل‌های نقوش این اثرند که با واکاوی این نقوش و تطبیق و تحلیل با دوگانه‌های دریدا تفسیری صحیح از تقابل‌های آن ارائه شده است.

منابع

- احمدی، بابک. (۱۳۷۱). ساختار و تاویل متن، ۲ جلد، تهران: مرکز.
- اسکولزر، رابرت. (۱۳۸۳). درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات، ترجمه فرزانه طاهری، چاپ دوم، تهران: آگه.
- اشر، موریس کورنیس. (۱۳۸۹). مجموعه آثار گرافیکی موریس اشر، ترجمه محمدرضا عبدالعلی و مژگان جایز، تهران: میردشتی.
- چندلر، دانیل. (۱۳۸۷). مبانی نشانه‌شناسی، ترجمه مهدی پارسا، تهران: سوره مهر.
- حبیبی افراتختی، معصومه. (۱۳۹۳). «تقابل ادوتایی در سوره مبارکه الیل»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش هنر، دانشگاه الزهراء، دانشکده هنر.
- دریاب، سحر. (۱۳۸۹). «بررسی هزار و یک شب براساس آراء ژاک دریدا»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ادبیات، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی.
- داندیس، ا. دونیس. (۱۳۹۵). مبادی سواد بصری، چاپ چهل و چهارم، تهران: سروش.
- زیبا کلام، فاطمه. (۱۳۷۸). سیر اندیشه فلسفی در غرب، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ.
- سجودی، فرزانه. (۱۳۸۲). نشانه‌شناسی کاربردی، تهران: قصه.
- شمسیا، سیروس. (۱۳۸۳). نقد ادبی، چاپ چهارم، تهران: فردوس.
- ضیمران، محمد. (۱۳۷۹). ژاک دریدا و متافیزیک حضور، تهران: هرمس.
- غریب، رز. (۱۳۷۸). نقد بر مبانی زیبایی‌شناسی و تأثیر آن در نقد ادبی، ترجمه نجمه رهایی، مشهد: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- مقدادی، بهرام. (۱۳۷۸). فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی (از افلاطون تا عصر حاضر)، چاپ نخست، تهران: فکر روز.
- هالینگ دیل، رجینالد جان. (۱۳۸۷). تاریخ فلسفه غرب، ترجمه عبدالحسین آدزنگ، چاپ هفتم، تهران: ققنوس.
- نوروزی طلب، حمیدرضا؛ رستمی ثانی، انسیه. (۱۳۹۱). «فریب بصری در آثار تصویرگران نوگرا»، دو فصلنامه دانشکده هنر شوستر، دانشگاه شهید چمران اهواز، شماره ۲، ص ۹۹-۸۳.
- Asher, R.E, Simpson, J M. J (۱۹۹۴). *the Encyclopedia of Language and linguistics*, vol ۱. England, Pergamon Press.
- Bradley, A (۲۰۰۸). *Derrida's of Grammatology*, Edinburgh, Edinburgh university Press.
- Brannigan, J (۱۹۹۹). *we have nothing to do with literature: Derrida and surrealist*. writing the French connections of jacques Derrida, Wolfreys j, Brannigan J & Robbins (Eds) New York: state university of New York Press. ۵۳-۷۰.